



• یک‌شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ • شماره ۱۲۹۰

حدیث روز

حضرت علی (ع): کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روزی را کاری است [ویژه آن روز].

نهج البلاغه

ذکر روز یک شنبه

صد مرتبه «یا ذا الجلال والاكرام»

در محضر بزرگان

اصل تحمل خطاها و لغزش‌ها

علامه محمدرضا حکیمی می فرماید: تردیدی نیست که افراد در زندگی، در راه‌ها و کارها، دچار لغزش و اشتباه می شوند و چیزهایی بر سر راهشان قرار می گیرد... هر کس نسبت به دیگران... ممکن است دچار خطا و لغزش شود... این دست مسائل نباید در روابط خانوادگی و گروهی و اجتماعی تأثیری منفی داشته باشد، چون جریانی است همگانی و همه جایی و هر کس که از دیگران لغزش‌هایی می بیند خود نیز ممکن است در برابر دیگران به همان لغزش‌ها دچار شود. این جاست که اصل «تحمل خطاها و لغزش‌ها» پیش می‌آید و در تحکیم روابط، نقش آفرین است.

بر گرفته از «الحیات»

حالی به حالی

روز اول پس از تعطیلات

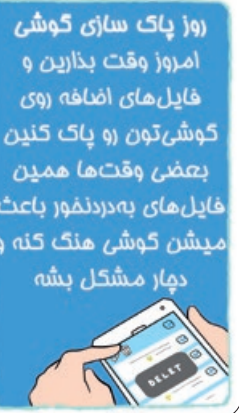
روز اول کار بعد از تعطیلات نوروز، حال اون لاک پشتی رو داشتیم که خمیازه کشان کنار جاده جون می کند تا حرکت کنه و با حسرت حرکت پرسرعت ماشین ها رو می دید. غافل از این که به خرس روش نشسته بود و چرت می زد!

بریده کتاب

کار عشق

کار عشق همین است: کاری می کند که می خواهی دنیا را از سر بنویسی. کاری می کند بخوای شخصیت ها را انتخاب کنی، صحنه را بسازی و داستان را پیش ببری. کسی که دوستش داری، مقابلت می نشیند و می خواهی هر کاری از دست برمی آید، برای ابدی کردن این لحظه انجام دهی.
«هر روز»، اثر دیوید لویتان

قرار مدار



اندکی صبر

دوست دارم که

انوشیروان اخوان نیایی

دوست دارم که سحرگهان دست در دست نسیم گام در باغچه ام بگذاری کلبه ام را بگشایی در و به هنگام پگاه آینه را از سر طاقچه ام برداری و در آن با خورشید روبه‌رو خواهی بود

دنیا به روایت تصویر



رویترزا | آزمایشگاه فناوری نوین پرورش گیاهان با نور مصنوعی، آلمان

شعر طنز

پیان نامه

یار محمد خدنگی

ای خالق چاره سازی بنده نواز
بر در که تو گشوده ام دست نیاز

آنان که دم از طراوت عید زدند
چون نرخ پیاز بندری را دیدند



اف. سی. خانجون

قسمت شانزدهم

برهان اقتصادی

میرشاد مرتضوی | طنزپرداز

سلام ننه. خوبین؟ خوشین؟ عیدتون مبارک. می دونین خونه ما کجاست؟ بدونین هم فرقی نمی کنه. امسال از عیدی خبری نیست. دچار برهان اقتصادی شدیم. یعنی می تونیم هزار تادلیل و برهان بیاریم که عیدی ندیم. پس بی خود خودتون رو خسته نکنین. امسال از سیل و زلزله و مصیبت و بدبختی و بیچارگی که برای همه مون عادی شده بگذریم، واسه من که عید خوبی بود. چون تا پار سال این نوه نتیجه‌های ذلیل مرده جلوی من خرت و خرت آجیل و شیرینی می لمبوندن، من باید جلوشون می نشستم سماق می مکیدم. امسال خدارو شکر صفا و صمیمیت بین خانواده‌ها بیشتر شده بود و همگی دور هم نشستیم سماق مکیدیم. ننه امسال به خودتون قول بدین که خوب ورزش کنین و قوی باشین. مخصوصا ورزشای قدرتی مثل بادی لیفتینگ، پاور بیلدینگ، بانجی جامپینگ، اختلاس از هلدینگ و این جور چیزا. مثل من که از همون قبل عید دارم ورزش می کنم. راستی یادتونه در باره کیدی بازی کردنم براتون حرف زدم؟ یادتون نیست؟ ای بابا، خب برین روز نامه‌های قبلی رو بخرین یادتون بیاد، منم پورسانتم روور دارم خرج کشیدن پوستم کنم. چیم از این خواننده‌های لس آنجلسی کمتره؟ چطور اونا بکشن، من نکشم؟ البته ما ماهواره نداریم، از پنجره همسایه دیدم! داشتیم کیدی رو براتون می گفتم. به اونچار سیدیم که من تندتند حرف زدم و واسه تیم ملی انتخاب شدم و رفتم برای مسابقات. همچین که رسیدیم به سالن، بهویکی از داور امنو شناخت! به مسئول برگزاری گفت: «بابا این همونیه که تو جام جهانی تکنانندو و کاراته و جودو و ده تا چیز دیگه هم بود. الان دوباره به کار دست خودش میده‌ها!» حالا من که می دونستم از قدرت و تکنیک من ترسیدن. و گر نه هیچ کدوم از نوه‌هام هم جرئت نمی کنن موقع کتک خوردن ازم ایراد بگیرن. بله ما از اون ننه بزرگایی هستیم که کتک می زنیم. مخصوصا وقتی نوه‌ها میگن عیدی مون کمه. زمان ما یه ده تومنی می دادن باید اندازه یه آفتابه آب مصرف می کردیم، انقدر که پدر بزرگمون رو ماچ می کردیم... اشاره می کنن قرار بود ستون ورزشی باشه. ببخشید ننه، ایشالا از شنبه.

سه نقطه



فرانس پرس | دیدار نگهبان باغ وحش با پاندایی که قرار است برای انجام تحقیقات به دانمارک سفر کند

تا بخند

- مادر بزرگم میگه با این همه بارش چرا تابستون‌ها باید با کم آبی مواجه بشیم؟ به نظر م اگه اختیاری داشت با آب بارون تشری درست می کرد که تابستون قابل استفاده باشه!
- حسینی بای از ماموریت برگرده خونه باید یکی دو هفته تو آکوارיום نگهش دارن تا کم کم برگرده به حالت اولیه خودش!
- ۱۷ فروردین هیچ وقت فکرش رو نمی کرد به اندازه ۱۴ فروردین فحش بخوره!
- حالا باز دانشجویها و دانش آموزها میگن دو ماه دیگه میریم بعدش تابستونه تعطیلیم، ما که تعطیلی نداریم چه جوری خودمون رو دلداری بدیم؟!
- کاش منم کوالا بودم و الان دغدغه‌ام این بود که خوابیدن روی کدوم شاخه بیشتر کیف میده!
- شما دونفر رو که باهم قهر بودن آشتی بده، امکان نداره حداقل یکی شون نگه: ای بابا ما که باهم قهر نبودیم که بخوایم آشتی کنیم!
- من تحقیق کردم که هر ایرانی سبک خاص خودش رو واسه جوجه درست کردن داره و معتقد به پختنیش همینه و بقیه حالی شون نیست!

دور دنیا

خنده‌دارترین مدرک تقلبی دنیا



ادیتی سنترال -موتور سیکلت سوار چینی که تئیل تر از آن بود که برای گرفتن گواهی نامه مراحل قانونی را طی کند، تصمیم گرفت گواهی نامه رانندگی جعلی برای خودش درست کند. او با دستخط خودش روی یک کاغذ سفید مشخصات گواهی نامه اش را نوشت و عکسی از خودش را هم گوشه آن چسباند تا شاید بتواند پلیس ها را گمراه کند! عکس های گواهی نامه جعلی خنده دار او این روزها در شبکه های مجازی این کشور حسابی سوژه شده است.

رژیم لاغری در دسر آفرین



ادیتی سنترال - یک زن ۴۰ ساله بعد از سه هفته رژیم غذایی سخت گیرانه که تنها مجاز به خوردن آب و آمپوه بود، دچار آسیب شدید مغزی شد. او که حدود ۴۰ کیلوگرم اضافه وزن داشت، توانست ورزش را به مقدار قابل توجهی کم کند اما به

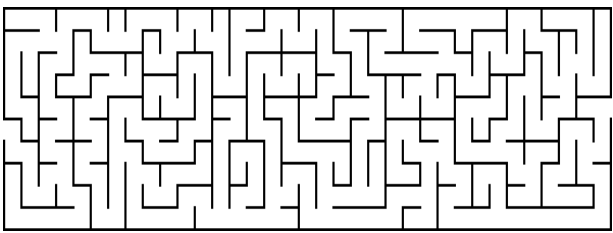
دلیل پایین بودن سطح سدیم در خونش دچار آسیب مغزی شدو در بیمارستان بستری است. هیپوناترمی نام نوعی مسمومیت با آب است که در اثر کمبود سدیم در خون ایجاد می شودو به مغز آسیب می رساند.

مرد ۷۷ساله چینی با موهای ۵۰نیم متری!



ادیتی سنترال - عکس های پیر مرد ۷۷ساله چینی با موهای پنج و نیم متری اش که برای شستن و خشک کردن آن حداقل ۲نفر باید ۳ ساعت وقت بگذارند، در شبکه های اجتماعی این کشور یک و نیم میلیون باز دید کننده داشته است. این پیرمرد ۵۵ سال است که موهایش را کوتاه نکرده است اما قصد ندارد که در گینس رکوردی ثبت کندو معروف شود.

مار پیچ (سختی ۶۰٪)



گتی |مپیج| مسابقات گوزن دوانی روی دریاچه یخ زده، فنلاند

تفال

از آستان پیر مغان سر چرا کشیم

دولت در آن سراو گشایش در آن در است

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب

کز هر زبان که می شنوم نامکرار است

دی روز نامه

ستاره سیل مربع

علیرضا کاردار | طنزپرداز

در این تعطیلات به اندازه یک سال خبر تولید شد که خب در این ستون نمی گنجد، ولی می توانیم به سبک پست های شبکه های اجتماعی به صورت فشرده آن ها را مرور کنیم تا شما هم به روش همان شبکه ها، با سرعت بخوانید و بدهید برود بالا!

در حالی که منتظر بودیم ببینیم سرانجام تکلیف نودو فر دوسی پور چه می شود و آیا تلویزیون به رای بیشتر مردم احترام می گذارد یا به ملاحظات مدیرانش گوش می دهد، باخبر شدیم پیاز در حال سبقت گرفتن از پراید است. قبل از عید که قید آبگوشت را زده بودیم، بعد از عید هم مجبور شدیم حتی بی خیال نان و پیاز کنارش شویم! در همان حال که عکس پدران و پدران همسران را لایک می کردیم و به سفره های هفت سین رای می دادیم و همان طور که پشتک واروهاو تقلید صدا های استعداد های کشف نشده را در تلویزیون تماشا می کردیم، متوجه شدیم ای داد بیداد، بخشی از مملکت را سیل گرفته و تا به خودمان آمدیم، دیدیم آب در حال پیشروی است که خوشبختانه با درایت مسئولان که بدون بالا زدن پاچه، مسابقه «کی از همه بیشتر میره تو آب» راه انداخته بودند، سیل از عمل خودش شرمنده شد و جایش را به گل و لای داد. هر چند هنوز نگران خبر نگران و مدیران و سلبریتی هایی بودیم که توی آب یا لای درز های زمین بودند!

البته بر خلاف مردم، مسئولان غافلگیر نشده بودند و بلافاصله پس از این که سیل ته نشین شد، پیامک هشدار برای آمادگی مقابل سیل را ارسال کردند! از طرف دیگر، در حالی که مردم دنبال مقصر این مصیبت و همچنین راهی مطمئن برای کمک رسانی به مصیبت زدگان می گشتند، مسئولان خوش خبری دادند که امسال آمار تصادفات جاده ای و مصرف بنزین کمتر شده است که خب علاوه بر فرهنگ سازی و دقت خود مردم، لابد گیر کردن خودروها در گل و لای و از بین رفتن مسیرهای سفر هم در این مورد بی تاثیر نبوده است! سرانجام در پایان تعطیلات وقتی داشتیم برای سبزه های فالوئر های مان کامنت می گذاشتیم و با غم رفتن سر کار دست و پنجه نرم می کردیم، باخبر شدیم استاد جمشید مشایخی هم در گذشتند که البته خیلی طول کشید تا این خبر را باور کردیم و مطمئن شدیم این بار شایعه و دروغ سیزده نیست. هر چند بعید نیست به زودی تلویزیون در برنامه ای وسط انتقاد هایش به دولت و مسئولان، اعلام کند ستاره مرگ مربع را شماره گیری کنیم تا بدل استاد به صورت زنده برای مصاحبه حاضر شود. به هر حال ظاهر کردن بدل استاد، از سعدی و حافظ که سخت تر نیست، مخصوصا با هر پیامک فلان تومان!

سوئی سرا

جارو برقی بی نام

چند سال پیش که تازه از دواج کرده بودم، رفتم کیسه جارو برقی بخرم. به فروشنده گفتم: «لطفا یه کیسه جارو برقی بدید.» آقای فروشنده گفت: «اسمش چیه؟» با اعتماد به نفس کامل گفتم: «جارو

برقی!» آقا هه گفت: «خب مدلش چیه؟» تو دلم گفتم عجب خنگیه ها! بعد جواب دادم: «مدلش برقیه دیگه!» آقای فروشنده پرسید: «خانم! مارک جارو برقی تون چیه؟» منم کلی معذرت خواهی کردم و گفتم: «ببخشید حواسم نبود اصلا، تازه خریدیمش، مارکش یادم نیست!» قیافه فروشنده رو تو اون لحظه هیچ وقت فراموش نمی کنم!

ماوشما

راه‌ار تباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹+ و تلگرام ۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶+۰

* شعبان شده آمیخته با نقل و نبات
هر دم رسد از عالم قدسی بر کات
خواهی که بری فیض از این ماه
برات
بفرست به رخسار محمد(ص)
صلوات

یار محمد خدنگی

* سه نقطه لحظه تحویل سال نودر
جزیره اسرار آمیز خیلی باحال بود!
دقیقا یاد خودمون افتادم!

آرمین و دوستان

* چرا در گرگان شام خوران و
صبحانه خوران نداریم؟!

مهدی بهزاد

آق کمال: با ای که مهدی آقا ای
سواله از مو نپرسیدن ولی چون